تأثیرگذاران بر قیمت نفت

[شهریار آیرملو تبریزی]

فرآیند شکل گیری قیمت در بازارهای نفتی عمدتاً از عملیات عوامل اقتصادی سرچشمه می گیرند که نسبت های قیمت را مدنظر دارند. به عبارت بهتر تفاوت قیمت نفت خام های مختلف، قیمت یک نوع نفت خام در تاریخ های مختلف یا تفاوت قیمت فرآورده های نفتی مختلف و نفت خام از عوامل تعیین کننده قیمت یک نوع نفت خام مشخص می باشند. این امر با عملکرد معمول بازارهای دیگر تفاوت دارد و معانی نهفته در آن ممکن است حائز اهمیت باشند. قیمت جهانی نفت در بازارهای نفت تعیین می شود و از بازارهای کشورهای تولیدکننده که بازاری بزرگتر است و همان قیمت تعیین شده را مورد استفاده قرار می دهد، تأثیر می پذیرند.

نفت همیشه به عنوان یک کالای اقتصادی، سیاسی، استراتژیک مورد توجه بوده و می توان آن را از دیدگاه هر یک از این موارد بررسی و ارزیابی نمود. در بررسی اقتصادی، توجه به دو ویژگی مهم پایان پذیری و حیاتی بودن نفت بسیار حائز اهمیت است. بی شک ویژگی تجدیدناپذیری سوخت فسیلی، اصلی است که همه اقتصاددانان بر آن اتفاق نظر داشته و معتقدند که استفاده از ذخایر موجود در نهایت موجب اتمام آنها شده و سبب حذف این کالای اولیه از چرخه تولید می گردد. عنصر حیاتی بودن به مفهوم فقدان جایگزین مناسب در شرایط کنونی و وابستگی تولید، بویژه حمل ونقل جهانی به نفت می باشد. اگرچه با دستیابی به دانش های نوین بازدارنده (Backstop technology) در برخی عرصه ها و پیدایش روش های نوین در تولید انرژی، ایجاد روشنایی و... از ویژگی های حیاتی بودن نفت کاسته شده اما در بعضی بخش ها همچون حمل ونقل، این ویژگی تداوم داشته و فعلاً جایگزین مناسبی برای آن وجود ندارد.

با توجه به دو ویژگی فوق می توان نگاهی به روش های قیمت گذاری نفت داشت. یکی از روش های قیمت گذاری استفاده از تئوری عرضه ـ تقاضا بر مبنای بازار آزاد است. بررسی علمی روند نحوه تعیین قیمت و عوامل مؤثر بر آن، آشکارا نشان می دهد که روش عرضه و تقاضا هیچ گاه به درستی عمل ننموده و همواره عواملی خارج از عرضه و تقاضا همچون انحصار، تحریم، اشغال نظامی سرزمین و در پی آن تسلط بر منابع زیرزمینی و... در تعیین قیمت نفت اثرگذار بوده اند.

تا سال ۱۹۶۰ قیمت نفت تنها توسط شرکت های نفتی تعیین می گردید. روند قیمت واقعی نیز در حال کاهش مستمر بود. با تشکیل اوپک که در واقع واکنشی در برابر اعمال فشار آگاهانه شرکت های نفتی بود، نخستین گام در جهت جلوگیری از کاهش قیمت برداشته شد. مصرف کنندگان و کشورهای غربی در برابر آنچه کارتل اوپک می نامیدند دست به اقدامات وسیعی زدند تا به ظاهر بازار را از حالت انحصار درآورده و به سمت بازار آزاد سوق دهند. از جمله با تشکیل بورس نفت و معاملات کاغذی (Paper deal) جریانی به وجود آمد که اکنون هویت مستقلی از مصرف کننده و تولیدکننده داشته و تأثیر غالبی نیز بر بازار دارد. یکی از مهم ترین علل تشکیل سازمان اوپک جلوگیری از ایجاد نوسانات غیرضروری قیمت نفت توسط شرکت های نفتی بوده است. البته تأسیس این سازمان اهداف دیگری را نیز تعقیب می نمود که از آن جمله می توان به افزایش قیمت نفت به سطح قیمت های اعلام شده قبل از کاهش سال های ۶۰-۱۹۵۹، مذاکره شرکت های نفتی با اعضای اوپک قبل از هرگونه اعمال تغییر در قیمت نفت، اتحاد و یکپارچگی اعضا در هنگام اعمال فشارهای شرکت های نفتی بر یکی از دولت های عضو و تنظیم میزان تولید بر طبق تصمیمات اوپک جهت کسب درآمد ثابتی برای تمام کشورهای عضو، اشاره کرد. اعضای اوپک همگی کشورهای در حال توسعه بوده و اقتصاد آسیب پذیری دارند. این کشورها برای رسیدن به اهداف توسعه ای خود نیازمند سرمایه گذاری هستند و از آنجا که اغلب کشورهای عضو سازمان، وابستگی شدیدی به درآمدهای نفتی دارند باید از این طریق منابع لازم را جهت سرمایه گذاری های خود به دست آورند. لذا تعیین قیمت نفت و عوامل مؤثر در نوسانات آن به عنوان دغدغه اصلی اعضای اوپک مطرح می باشد و حرکت به سمت پیش بینی منسجم تر نوسانات قیمت نفت خام، به عنوان یک ابزار کنترلی، کشورهای صادرکننده نفت را به اهداف خود برای برنامه ریزی بلندمدت و کسب درآمد مطمئن نزدیک می نماید.

احتکار نفت که پس از شوک اول نفتی بر اثر تحریم اعراب در شکل ذخیره سازی استراتژیک شکل گرفت، اقدامات ریگان در کاهش چشمگیر قیمت نفت به عنوان استراتژی لرزه در راستای تعدیل دیدگاه های جمهوری اسلامی ایران در جنگ عراق، همگی نشانگر دخالت مؤثر عوامل غیر عرضه و تقاضا در تعیین قیمت نفت می باشد.

از انواع دیگر قیمت گذاری نفت خام که طی دوره های گذشته برای توجیه تغییرات این محصول ارائه شده می توان به، الگوی کارتل، الگوی حق حاکمیت، الگوی هدف درآمدی، الگوی رقابتی، الگوی عرضه باقی مانده، نظریه بازی ها و دیدگاه های سیاسی اشاره نمود. در بین الگوهای ارائه شده برای قیمت گذاری نفت خام برخی تنها به دنبال عوامل متعدد اقتصادی بوده و برخی عوامل دیگر از جمله عوامل سیاسی و آثار روانی این عوامل را در قیمت نفت خام دخیل کرده اند. در مورد عوامل مؤثر بر تقاضای نفت خام که قیمت آن را تحت تأثیر قرار می دهد می توان به تغییرات فصلی، طول ماه های گرم و سرد سال و همچنین انتظارات خریداران نسبت به آینده عرضه و تقاضا اشاره کرد. البته اعتصابات، کودتا و انقلاب در کشورهای مختلف نیز می تواند به طور موقت تقاضا برای نفت خام را تحت تأثیر قرار داده و باعث اخلال در روند تعیین قیمت نفت خام شود. از عوامل دیگر اثرگذار بر قیمت نفت خام، عوامل هزینه ای، کرایه حمل، سود شرکت های فعال، مالیات های پرداختی و هزینه های ذخیره سازی نیز می باشند. در بین این عوامل بحث مالیات نقش بسزایی در تعیین قیمت نفت خام دارد. به طوری که در برخی از کشورها دولت ها برای جلوگیری از آثار زیست محیطی نفت خام و تشویق مصرف کنندگان به استفاده از حامل های پاک انرژی مالیات های سنگین برای مصارف این محصول می بندند. این امر باعث کاهش تقاضا برای نفت خام شده و قیمت این محصول را تحت تأثیر قرار می دهد.

از دیگر عوامل مؤثر در تعیین قیمت نفت، ذخیره سازی می باشد. ذخیره سازی های نفت دردسرهای مختلفی برای بازار ایجاد کرده اند و هنوز کسی به طور دقیق نمی داند چه مقدار نفت به صورت ذخیره سازی در داخل سیستم، نگهداری می شود. اما به هر حال بازارهای آتی و کاربرد ابزار مالی در تجارت نفت توانسته موجب افزایش و یا کاهش ذخیره سازی ها گردد. در واقع نه تنها عرضه و تقاضا حجم ذخیره سازی را متأثر می سازد بلکه نشانه هایی که از حالت های پیش بهین (contango) ـ به حالتی اطلاق می گردد که قیمت های نفت در ماه های آینده در قراردادهای آتی و یا سلف بیشتر از قیمت فیزیکی و یا تحویل فوری

از دیگر عوامل مؤثر در تعیین قیمت نفت، ذخیره سازی است. ذخیره سازی های نفت دردسرهای مختلفی برای بازار ایجاد کرده اند و هنوز کسی به طور دقیق نمی داند چه مقدار نفت به صورت ذخیره سازی در داخل سیستم، نگهداری می شود

باشد ـ و پس بهین (backwardation) ـ به حالتی اطلاق می گردد که قیمت های نفت در ماه های آینده در قراردادهای آتی و یا سلف کمتر از قیمت فیزیکی و یا تحویل فوری نفت باشد ـ دریافت می شود نیز حجم ذخیره سازی ها را تغییر می دهد. هر کدام از حالت های «پیش بهین» و «پس بهین» ترکیبی از تحولات اقتصادی و نفتی در درون و خارج از بازار نفت ایجاد کرده و منجر به واکنش های شدیدی در بازارهای آتی نسبت به هر دو حالت می گردد. آنچه مسلم است در این بین معامله گران نفتی به جای شرکت های نفتی بازیگران اصلی این صحنه می باشند. از زمان به کارگیری معاملات آتی در اوایل سال های ۱۹۸۰ که بازار جهانی نفت دچار تغییرات چشمگیری شد، قیمت ها با تعامل شاخص های بازار فیزیکی سنتی همانند ذخیره سازی های صنعت نفت و مصرف کنندگان و همچنین عکس العمل های مؤسسات مالی به این علائم تعیین می گردد و بازارهای آتی محل این عکس العمل ها می باشد.

با توجه به وجود عوامل متعدد اثرگذار در بازار نفت برخی از کارشناسان معتقدند که غیرمنطقی به نظر رسیدن نوسانات قیمت نفت ناشی از آن است که دانش ما از وضعیت بنیادهای بازار کامل نیست حتی آگاهی ما در بازنگری نسبت به آنچه در زمان گذشته نیز اتفاق افتاده است کامل نمی باشد.

● تحولات بازار نفت

روز هفدهم اکتبر سال جاری قانونگذاران ترکیه تصویب کردند که نیروهای نظامی این کشور به شمال عراق اعزام شوند تا به تعقیب کردهای منطقه بپردازند. این مسأله باعث شد قیمت هر بشکه نفت خام شیرین در بورس نیویورک به بالای ۸۹ دلار برسد. این رقم بالاترین رکورد به ثبت رسیده از زمان شروع قراردادهای بورس نیویورک بود. نگرانی از این که چنین اقداماتی می تواند به توقف عرضه نفت در خاورمیانه منجر شود، قیمت ها را بالا برد. برخی از تحلیلگران می گویند که آخرین جهش قیمت ها ارتباط چندانی با بنیان های بازار ندارد و بیشتر به گمانه زن های فعال در بازار بستگی دارد. طی چند سال گذشته، صندوق های بزرگ مالی، بانک های سرمایه گذاری و مؤسساتی از جمله گلدمن ساکز و مورگان استنلی روی بخش نفت سرمایه گذاری بسیاری کرده اند. میزان این سرمایه گذاری ها به حدی است که می تواند با میزان تقاضای جهانی برای نفت رقابت کند. اهمیت آنها در بازار به حدی است که می توانند تحولات کوچک قیمت ها براساس افزایش تقاضا، مسائل ژئوپلتیکی و نگرانی از وضعیت آب و هوا، را بزرگنمایی کنند. تاریخ نشان داده است که قیمت نفت با پیش بینی رویدادهای بزرگ دچار جهش می شود و پس از مدت نه چندان طولانی دچار افت می گردد. این اتفاق هنگام رویدادهایی چون انقلاب اسلامی ایران، جنگ ایران و عراق، حمله عراق به کویت و...، روی داد.

روند افزایش قیمت در ۲۰ نوامبر به اوج خود رسید و نفت به رکورد ۹۹ دلار دست یافت. به نظر می رسد افزایش قیمت ها منعکس کننده گمانه زنی های بیش از حد در مورد احتمال وقفه در عرضه در صورت بروز یک بحران عمده در خاورمیانه است. برخی از کارشناسان معتقدند اوپک برای اثرگذاری روی بازار باید تولید خود را روزانه یک میلیون بشکه افزایش دهد در غیر این صورت نخواهد توانست قیمت نفت را در بازارهای جهانی کنترل کند. از طرف دیگر بسیاری از پژوهشگران بازارهای صنعتی بر این باورند که افزایش کنونی قیمت نفت به دلیل کمبود تولید نفت خام در جهان نیست و تغییر سیاست های تولید نیز نمی تواند این مشکل را برطرف کند. آنها مشکل کنونی بازار را کمبود پالایشگاه ها و کاهش کارایی آنها می دانند و عقیده دارند باید زیرساخت های پالایشگاهی کشورهای غربی به خصوص ایالات متحده آمریکا بازسازی و تقویت شود. آنها برای تأیید سخنان خود به توفان کاترینا اشاره می کنند که سهم زیادی از زیرساخت های پالایشگاهی واقع در خلیج مکزیک را تخریب کرد. هر سال در فصل تابستان ذخیره سازی ها افزایش می یابد و در پائیز و زمستان بخشی از تقاضا با برداشت از ذخایر جبران می شود؛ بنابر این امسال هم باید انتظار داشته باشیم که از ذخایر نفت برداشت شود. پالایشگاه ها نیز در شرایط کنونی با محدودیت هایی روبه رو هستند و پیش بینی می شود در تأمین سوخت زمستانی با مشکل روبه رو شوند و از ذخایر برداشت شود. البته چون هم اکنون مقدار ذخایر پائین تر است، مصرف کنندگان بر افزایش تولید اصرار دارند. بنابراین بازار با کمبود نفت خام روبه رو نیست و کمبود نفت خام موجب افزایش قیمت ها نشده است.

برای بررسی دلایل افزایش شدید قیمت نفت باید عوامل اساسی را از عواملی فرعی تفکیک کرد. عوامل اصلی مؤثر بر بازار نفت عبارتند از: عرضه و تقاضا و ذخایر نفت اعم از تجاری یا راهبردی که آنها نیز به نوبه خود تحت تأثیر عوامل دیگری مثل شرایط اقتصادی، آب و هوا و نظایر آن هستند. شکی نیست که در سال های اخیر به دلیل تداوم رشد اقتصاد جهان تقاضا برای نفت بالا بوده است. اوج رشد تقاضا در سال ۲۰۰۴ رخ داد که تقاضای جهانی نفت نسبت به سال ماقبل نزدیک به ۳ میلیون بشکه در روز افزایش یافت. از این میزان افزایش بخش عمده ای به چین تعلق داشت که شاهد افزایش تقاضای نزدیک به یک میلیون بشکه در روز بود. در این دوره هند و سایر کشورها نیز که در مسیر صنعتی شدن قدم برمی دارند نقش عمده ای در تداوم استحکام تقاضا در بازار نفت، بازی کردند. اما تداوم رشد تقاضا و عرضه نشدن نفت که ناشی از ناموفق بودن کشورهای غیراوپک در افزایش تولید به میزان پیش بینی شده بود، به تنهایی افزایش قیمت را توجیه نمی کند.

– موضوع اعلام تصمیم حمله ترکیه به عراق و احتمال کاهش صادرات نفت کرکوک عراق با وجود این که این منطقه به دلایل مسائل امنیتی هیچگاه مرکزی برای تولید و صدور نفت نبوده، موجب افزایش قیمت نفت تا ۸ دلار در یک روز شد.

– ادامه شورش در بخش هایی از نیجریه موجب شد شرایط برای تولید بیشتر در این کشور فراهم نشود و این مسأله نیز بازار نفت را تحت تأثیر قرار داد.

– کاهش ذخیره سازی نفت در ایالات متحده مربوط به توفان های شدید ماه های گذشته در خلیج مکزیک که موجب شد تولید نفت خام در آن مدت کاهش یابد و نفت کافی وارد بازار آمریکا نشود و به همین دلیل برداشت از ذخیره سازی های نفت خام صورت گرفته تا تقاضا را پوشش دهد.

– اشکالات فنی در تولید نفت در آلاسکا موجب کاهش تولید این منطقه شده است و با توجه به انتقال نفت تولیدی آلاسکا به بازار آمریکا این مسأله به مشکلات این بازار دامن زده است.

– کاهش ۸۰۰ هزار بشکه ای تولید نفت امارات و پیش بینی تقاضای قوی در سال ۲۰۰۸ میلادی همراه با کاهش تولید غیراوپک نسبت به پیش بینی ها، به طوری که برآورد تولید غیراوپک برای سال ۲۰۰۷ حاکی از افزایش ۱/۳ میلیون بشکه در روز بود که مطابق آمار و اطلاعات منتشر شده این رقم محقق نشده و تنها تولید این گروه کشورها ۸۱۰ هزار بشکه در روز افزایش نشان می دهد که این موضوع نگرانی هایی را در بازار ایجاد کرد.

– کاهش ارزش دلار آمریکا یکی دیگر از عوامل افزایش قیمت نفت می باشد. صندوق های بازنشستگی و مؤسسه هایی که تحت سرمایه گذاری، پول های کلانی در اختیار دارند و دنبال سودهای آنی هستند با ورود و خروج به بازارهای کالا، مانند نفت و طلا و بازارهای ارز قیمت این کالاها را تحت تأثیر شدید قرار می دهند. با کاهش نرخ بهره در ایالات متحده و کم شدن ارزش دلار در مقابل سایر ارزها بورس بازان از بازار ارز به بازارهای نفت و طلا تغییر مسیر داده و افزایش خالص خرید بورس بازان در بازارهای بورسی نفتی، افزایش قیمت را تشدید می کند.

اینها از جمله دلایل اصلی افزایش قیمت نفت بوده است. در سال های اخیر کم شدن ظرفیت مازاد در بخش پالایشی به دلیل سرمایه گذاری ناکافی در کشورهای مصرف کننده، از دیگر عوامل مؤثر در شرایط روانی بازار نفت است. در دهه ۸۰ پالایشگاه های دنیا با ظرفیت مازاد بیش از ۳۰ درصد کار می کردند ولی امروز ظرفیت پالایشی به زیر ۱۰ درصد رسیده است.

● آثار نوسانات قیمت نفت بر اقتصاد جهان

توجه به این نکته بسیار مهم است که با وجود قیمت های بالای هر بشکه نفت خام در جهان، هنوز قیمت واقعی نفت در بازارهای جهانی کمتر از سال ۱۹۷۹ میلادی است. اگر قیمت نفت خام در سال های ۸۰-۱۹۷۹ (۳۵ الی ۳۶ دلار) براساس میزان تورم تعدیل شود به رقمی حدود ۱۱۰ دلار می رسیم که در مقایسه با قیمت کنونی نفت خام بسیار بیشتر است.

در سال ۱۹۸۴، دولت ریگان توانست به نرخ رشد اقتصادی ۷/۵ درصد برسد که رشد واقعاً شگفت انگیز و غیرقابل تصور بود. دولت ریگان این نرخ رشد را با تن دادن به کسری های بودجه و برای متورم نشان دادن اقتصاد آمریکا و افزایش نرخ رشد بالاتر به وجود آورده بود تا راه برای انتخاب مجدد او هموار شود. اما باید به این نکته توجه داشت که با احتساب قیمت های کنونی و تعدیل تورم و برابری قدرت خرید، قیمت نفت حدود ۵۷ تا ۶۵ دلار در هر بشکه بود. علی رغم ابراز نگرانی بسیاری از کارشناسان اقتصادی از روند افزایش قیمت های نفت و تأثیرات مخرب آن بر اقتصاد جهانی برخی از تحلیل گران افزایش قیمت های کنونی نفت خام را در مقایسه با شوک های نفتی پیشین، نه تنها این روند را نسبت به دوره های قبل متفاوت می دانند بلکه آن را نشانه ای از سلامت اقتصاد جهانی عنوان می کنند. در ادبیات اقتصادی عموماً چنین استدلال می شود که قیمت های پائین نفت، راه را برای حصول به رشد اقتصادی، بازتر می کند. به همین دلیل به محض افزایش نسبی قیمت نفت، بلافاصله این افزایش قیمت را مانع رشد اقتصادی اعلام می کنند. البته با توجه به سه شوک بزرگ نفتی (۱۹۷۳ تا ۱۹۷۴، ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۹ و ۱۹۹۰) و پیامدهای منفی آن، رکود جهانی اقتصاد و افزایش شدید تورم، چنین نگرشی نسبت به افزایش شدید قیمت نفت طی سال ۷-۲۰۰۶ شاید معقول به نظر برسد، اما این بار رشد تولید ناخالص داخلی و میزان تورم در جهان در سطح قابل پیش بینی و مناسبی قرار دارند. از طرف دیگر طی سه شوک بزرگ نفتی جهان، نرخ رشد مصرف جهانی نفت به طور چشمگیری کاهش یافت ولی در افزایش اخیر قیمت های نفت، طی سال های ۷-۲۰۰۵ نه تنها این میزان کاهش نیافته بلکه مصرف جهانی افزایش نیز یافته است.

دلایل فراوانی برای این فرایند وجود دارد، ساده ترین آنها این است که اگرچه میزان افزایش قیمت نفت به زیادی افزایش قیمت این محصول در شوک های پیشین بوده، اما این بار افزایش قیمت در روندی تدریجی صورت گرفته است. در سال ۱۹۷۹ قیمت نفت در عرض ۶ ماه دو برابر شد، اما این بار این تغییر در عرض ۱۸ ماه اتفاق افتاد. نکته مهم دیگر، شدت انرژی (نسبت مقدار انرژی مصرف شده به تولید ناخالص داخلی) است که وابستگی کامل به رشد اقتصادی دارد. پیشرفت های فنی و افزایش کارایی باعث کاهش چشمگیر شدت مصرف انرژی گردیده است به عبارت بهتر در حال حاضر برای دست یافتن به یک واحد تولید ناخالص داخلی مقدار انرژی کمتری نسبت به سال های قبل مصرف می گردد. هم اکنون اقتصاد مدرن بیش از آن که براساس قدرت نفت اداره شود براساس قدرت مغز و تراشه های الکترونیکی اداره می شود و به یمن افزایش بهره وری انرژی که درنتیجه استفاده از منابع دیگر انرژی و تغییر جهت از بخش تولید به بخش خدمات حاصل شده، استفاده از نفت در ازای هر دلار واقعی از تولید ناخالص داخلی، نسبت به دهه هفتاد قرن گذشته به نصف رسیده است. این بدان معنی است که افزایش قیمت نفت آسیب کمتری را به بخش تولید وارد می کند. یعنی در عصر اطلاعات با وجود افزایش تقاضا برای نفت، حساسیت درآمد نسبت به تغییرات قیمت نفت کمتر گردیده است.

از طرف دیگر، طبق تحلیل صندوق بین المللی پول به ازای هر ۱۰ دلار افزایش قیمت نفت ۰/۶ درصد از تولید جهانی کاهش می یابد، درنتیجه افزایش ۳۰ دلاری قیمت نفت در سال گذشته باید رشد جهانی اقتصاد در حدود دو درصد کاهش داده باشد، اما تمام این تخمین ها بر طبق شوک های پیشین نفتی صورت گرفته که در همه آنها دلیل افزایش قیمت نفت به اشکال در روند عرضه برمی گردد. اما در دوره کنونی دلیل افزایش قیمت نفت به افزایش میزان تقاضا بویژه در چین، هند، سایر نقاط آسیا و ایالات متحده برمی گردد. قوانین قدیمی که بر مبنای کاهش عرضه نفت شکل گرفته اند، در مورد افزایش کنونی قیمت نفت که بر اثر افزایش میزان تقاضا به وجود آمده کارایی ندارند. اگر قیمت نفت به دلیل کمبود میزان عرضه افزایش یابد، باعث افت تولید ناخالص داخلی در سراسر جهان خواهد شد، اما اگر افزایش قیمت نفت در نتیجه افزایش میزان تقاضا صورت گرفته باشد، از سلامت اقتصاد جهانی خبر می دهد و در این حالت افزایش قیمت نفت آسیب های بسیار کمتری را به دنبال خواهد داشت. اما بعد منفی قضیه در اینجاست که اگر این بار دلیل افزایش قیمت نفت به جای کاهش در عرضه، به افزایش میزان تقاضا مربوط باشد، احتمال این که این قیمت های بالا تا مدتی طولانی تر ادامه داشته باشند، بسیار بالاست. درشوک های پیشین نفتی هرگونه افزایشی در قیمت نفت که در اثر محدود بودن موقت عرضه صورت می گرفت، باعث می شد میزان تقاضا نیز کاهش یابد تا بدین وسیله بازار عرضه زودتر به حالت طبیعی خود برگردد و قیمت ها خیلی سریع کاهش یابند. اما اگر افزایش قیمت نفت در نتیجه افزایش میزان تقاضا در چین و سایر قسمت های اقتصادی در حال ظهور صورت گرفته باشد احتمال این که قیمت ها سریع کاهش یابند، بسیار کم است. البته افزایش تقاضا به معنی بی تأثیر بودن جو روانی نیست چرا که جو روانی و ادامه حدس و گمان ها مبنی بر ادامه افزایش قیمت نفت، بازار این محصول را آشفته کرده و آن را بیش از هر زمان دیگری آماده پذیرش افزایش قیمت های بعدی می کند. با این وجود با توجه به رشد شدید میزان تقاضا و تحت فشار بودن بی سابقه بازار عرضه، که درنتیجه عدم سرمایه گذاری مناسب در اکتشاف، توسعه و افزایش ظرفیت پالایشگاهی در سال های اخیر صورت گرفته، هرگونه اختلالی در میزان عرضه قیمت های نفت را باز هم بالاتر خواهد برد. البته در درازمدت بالا بودن قیمت ها، اکتشاف را بیشتر تشویق می کند و میزان عرضه را افزایش داده و درنتیجه قیمت ها را کاهش خواهد داد، اما این امر نیازمند زمان است.

طی سال های ۲۰۰۶ـ۲۰۰۰ تقاضای جهانی نفت حدود ۸ میلیون بشکه در روز افزایش یافته که تنها ۱۸ درصد از این افزایش ناشی از افزایش مصرف نفت در کشورهای OECD بوده و به عبارت بهتر ۸۲ درصد از افزایش تقاضای نفت متعلق به افزایش میزان مصرف در کشورهای درحال توسعه بوده که در این میان سهم کشور چین به تنهایی ۳۱ درصد است

● سخن آخر

در سال های اخیر افزایش تقاضای جهانی نفت خام متأثر از افزایش مصرف نفت کشورهای درحال توسعه بوده است. طی سال های ۲۰۰۶-۲۰۰۰ تقاضای جهانی نفت حدود ۸ میلیون بشکه در روز افزایش یافته که تنها ۱۸ درصد از این افزایش ناشی از افزایش مصرف نفت در کشورهای OECD بوده و به عبارت بهتر ۸۲ درصد از افزایش تقاضای نفت متعلق به افزایش میزان مصرف در کشورهای درحال توسعه بوده که در این میان سهم کشور چین به تنهایی ۳۱ درصد می باشد. این درحالی است که قیمت جهانی نفت از حدود ۲۶ دلار به فراتر از ۹۰ دلار رسیده است. برخی از کارشناسان معتقدند افزایش قیمت نفت می تواند به بحران هایی نظیر شوک های بازار نفت در سال های ۱۹۷۴ و ۱۹۷۹ منجر شود. اما بسیاری از تحلیلگران مسائل اقتصادی و انرژی وضعیت کنونی بازار جهانی نفت را چندان مشابه با شرایط گذشته نمی دانند. درحال حاضر هزینه نفت و انرژی سهم کمتری از هزینه تولید و همچنین مخارج خانوار را نسبت به گذشته در کشورهای پیشرفته، تشکیل می دهد. به علاوه، با افزایش مصرف جهانی نفت طی دو دهه اخیر، شدت مصرف انرژی در کشورهای صنعتی به دلیل رشد کارایی مصرف انرژی، کاهش یافته است. اما این مسأله همزمان در کشورهای درحال توسعه صورت نگرفته و طی نمودن مراحل و گذر از فازهای توسعه در این کشورها، مستلزم صرف انرژی است. در چند سال اخیر علی رغم افزایش چشمگیر قیمت نفت، رشد اقتصادی جهان چندان متأثر نشده، با این حال سطوح بالای قیمت نفت، تراز پرداخت کشورهای واردکننده نفت خام را تحت فشار قرار می دهد.

اثر نوسان قیمت نفت بر مقدار تقاضا در کشورهای درحال توسعه و کشورهای توسعه یافته یکسان نیست. از سال ۱۹۷۳ تاکنون، افزایش قیمت نفت تأثیر بیشتری بر کاهش روند مصرف آن در کشورهای عضو OECD داشته است. اما در کشورهای درحال توسعه، با وجود افزایش قیمت نفت، روند صعودی تقاضای نفت با شدت و ضعف در دوره های مختلف دنبال شده است. علی رغم افزایش مصرف در کشورهای درحال توسعه و کاهش آن در کشورهای عضو OECD هنوز مصرف سرانه نفت کشورهای درحال توسعه حدود یک دهم مصرف سرانه نفت در کشورهای عضو OECD است. بررسی های مختلف نشان می دهد که تقاضای نفت در کشور درحال توسعه کم کشش بوده و اثر رشد درآمد بر تقاضای نفت برای این کشورها بیش از اثر تغییرات قیمت نفت است. به این ترتیب با تداوم رشد اقتصادی کشورهای درحال توسعه، تقاضای نفت نیز به همان میزان افزایش خواهد یافت. این همان بازی برد - برد در اقتصاد جهانی امروز است.

همانگونه که کشورها مسیر توسعه و صنعتی شدن را طی می کنند، مصرف نفت و انرژی آنها نیز افزایش می یابد. امروزه چین و هند در میان کشورهایی طبقه بندی می شوند که اقتصاد آنها سریع ترین رشد را داشته است. انتظار می رود رشد تقاضای نفت در مناطق مختلف جهان به دلیل افزایش درآمد، رشد جمعیت، صنعتی شدن، افزایش سرمایه گذاری ها و رشد تجارت ادامه یابد. اما آنچه مسلم است با وجود محدودیت طبیعی منابع، رشد و توسعه فناوری، روند رشد سوخت های جایگزین و همچنین سیاست دولت ها در رابطه با انرژی، آینده بلند مدت امنیت تقاضای نفت مورد تردید قرار می گیرد.

مشترکین گرامی :
آیا سزاوار است بر اثر گرمای بیش از حد محل سکونت مجبور به باز کردن پنجره شویم ؟! فکر نمی کنید که این عمل اسراف در مصرف انرژی است ؟...
شرکت ملی گاز ایران
روابط عمومی